

## بررسی رابطه بین اضطراب و سرسختی با سبک های فرزندپروری معلمان مدارس متوسطه

### شهر زاهدان

سحر محسنی<sup>۱</sup>، مهشید آهوئی<sup>۲</sup>

۱. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره اول، شماره سوم، دی ماه ۱۳۹۵، صفحات ۴۷-۳۸

#### چکیده

خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرا می گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، شیوه های سخن گفتن را می آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می گیرد و سرانجام نگرش ها، اخلاق و روحیاتش شکل می گیرد و به عبارتی اجتماعی می شود. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین اضطراب و سرسختی با سبک های فرزند پروری می باشد. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مدارس متوسطه دخترانه ناحیه ۲ زاهدان که مشتمل بر ۴۲۳ نفر و نمونه آماری بر حسب جدول مورگان ۱۷۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری، تصادفی ساده می باشد. جهت گردآوری داده ها از سه پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۸۸)، سرسختی کوباسا (۱۹۸۸) و سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک غالب در میان سبک ها می باشد. همچنین مولفه مبارزه جویی در سرسختی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. نتایج استنباطی داده ها نیز نشان می دهد که بین سبک های فرزندپروری و اضطراب رابطه معناداری در سطح  $p = 00005$  وجود ندارد. همچنین بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و سرسختی رابطه معناداری در سطح  $000001$  وجود دارد. بین اضطراب و سرسختی رابطه معکوس و منفی در سطح  $000001$  وجود دارد. همچنین یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که مولفه کنترل بیشترین پیش بینی را از سبک فرزندپروری معلمان متوسطه داشته است.

واژگان کلیدی: اضطراب، سرسختی، فرزندپروری، معلمان، متوسطه

## مقدمه

استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموعه ی باورها، ارزشها، رفتارها، نگرشها، دانشها و مهارتهای آن به نسل های جدید منتقل شود. ساخت و کار و وسیله ی این انتقال آموزش و پرورش است. اولین کسانی که به طور رسمی و با هدف آگاهانه به امر آموزش پرداختند، احتمالاً افرادی بودند که از لحاظ دانش و تجربه و مهارت بر سایر اعضای گروه اجتماعی خود برتری داشتند. با پیچیده تر شدن شرایط زندگی اجتماعی، انسان به مرور به دانشها و مهارتهایی دست یافت. سر آغاز آموزش و پرورش را باید در منشأ اصلی همه ی نهادهای اجتماعی، یعنی، خانواده جستجو کرد. خانواده ی اولیه، تمام کارکردهای لازم برای دوام و بقای زندگی اجتماعی را عهده دار بود(علاقه بند، ۲۰۱۳: ۲). تاثیر خانواده به عنوان اولین و موثر ترین واحد اجتماعی بر فرزندان امری بدیهی و مشخص است و تردیدی نیست که خانواده به عنوان قویترین سیستم بر پایه ریزی و شکل گیری شخصیت<sup>۱</sup> و فرآیندهای درونی فرزند تاثیر عمیق و بسزایی دارد و آنها را شکل می دهد. بسیاری از ویژگی های شخصیتی کودک تحت تاثیر ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزند پروری والدین<sup>۲</sup> است (لیل آبادی، ۱۹۹۶). یکی از اساسی ترین مسائلی که در محافل علمی و آموزشی جهان مطرح است و بسیار هم درباره آن سخن گفته می شود مسئله سبکهای فرزند پروری و به عبارتی تعلیم و تربیت فرزندان است. سبکهای فرزند پروری یکی از سازه های جهانی است که نشانگر روابط والد- کودک<sup>۳</sup> است (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳). رابطه بین کودکان، والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از طریق سبک ها و روشهای مختلف فرزند پروری در کودکان تاثیر می گذارد. اکثر روانشناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقد هستند، کنشهای متقابل میان والدین و فرزندان خود را احساس تحول عاطفی تلقی می کنند (بالبی ۱۹۶۹، فروید ۱۹۶۴، به نقل از مهرابی زاده و همکاران ۲۰۰۰). هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد، این شیوه ها که شیوه های فرزند پروری نامیده می شود، متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می باشد(هاردی و همکاران، ۱۹۹۳). شیوه های فرزند پروری به عنوان مجموعه ای از رفتارها که تعاملات والد-کودک را در طول دامنه ی گسترده ای از موفقیت ها توصیف می کند که یک جو تعاملی تاثیر گذار را به وجود می آورد. شیوه های فرزند پروری یک عامل تعیین کننده و اثر گذار است که نقش مهمی در آسیب شناسی روانی فرزند بازی می کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش ها، رفتارها و شیوه های فرزند پروری تقریباً غیر ممکن است. تحقیقات خیلی کمی در مورد شیوه های فرزند پروری و آسیب شناسی کودک به عمل آمده است(علیزاده، به نقل از مهرابی، ۲۰۰۴). دارلینگ و استنبرگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۳)، به نقل از گلس کو و همکاران، (۱۹۹۷) شیوه های فرزند پروری را این گونه تعریف می کنند، شیوه های فرزند پروری منظومه ای از گرایشها، اعمال و جلوه های غیر کلامی است که ماهیت کودک و والدین را در تمامی موقعیت های گوناگون مشخص می کند. اصطلاح

1-personality

2-parenting practices

3- parent child relations

2- Darling and Sternberg

فرزندپروری از ریشه ی پریو به معنی زندگی بخش گرفته شده است. منظور از شیوه های فرزند پروری، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزندپروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه های اقتصادی تغییر می کند (دهباشی، ۲۰۱۵). رابطه والدین اعم از آموزشی یا غیرآموزشی با فرزندان، رابطه ای یکسان و بر طبق یک الگو و مدل خاصی نیست. بر اساس تحقیقی در فرانسه، این مدل ها در ارتباط با طبقه اجتماعی خانواده ها می باشند (ژی فولوواسور، ۱۹۹۵). به گفته کاستلانیک مدل فرزندپروری در همه خانواده ها وجود ندارد. بلکه به تعداد خانواده ها، روش های فرزند پروری وجود دارد (کستینز، ۱۹۸۸). بامریند یکی از دانشمندانی است که در زمینه شیوه های فرزند پروری مطالعات متعددی انجام داده است. وی سه شیوه ی الگوی فرزندپروری را که والدین در برخورد با کودک خود از آنها استفاده می کنند را مطرح کرده است: (۱) مستبدانه (تحکم آمیز): در این شیوه پرورشی، والدین تلاش می کنند تا رفتار فرزندان خود را شکل داده، کنترل و ارزیابی کنند. این دسته از والدین، دوست دارند فرزندان شان دستورات و اوامر آنان را بپذیرند؛ (۲) مقتدرانه: در این شیوه والدین انعطاف پذیر عمل می کنند. آنان ضمن اعطای آزادی برای فرزندان خود، مقررات روشن و آشکاری را برای آنان وضع می کنند. (۳) سهل گیرانه (آزادگذار): در این شیوه فرزندپروری، والدین از فرزندان خود انتظار مشخصی ندارند و کودکان در بیان احساسات و رفتارهای خود آزادی عمل کامل دارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود به ندرت از زور و تنبیه استفاده می کنند (منادی، ۲۰۰۸). در تربیت فرزندان سرسختی نیز عاملی تاثیر گذار است. سرسختی یکی از عوامل جدید روانشناختی است که روانشناسان به آن علاقه مند شده اند و آن را در حوزه های مختلف مورد مطالعه قرار داده اند. سرسختی روانشناختی ابتدا مورد توجه کوباسا (۱۹۷۹) قرار گرفت و به عنوان مجموعه ای متشکل از ویژگیهای شخصیتی در نظر گرفته شد که در رویارویی با حوادث فشار زای زندگی به عنوان منبعی از مقاومت، همانند سپری محافظ عمل می کند و افراد واجد آن می توانند به گونه ای کارآمد با مشکلات و فشارهای روانی مقابله کنند (کوباسا، ۱۹۷۹؛ به نقل از حقیقی و همکاران، ۲۰۰۰). کوباسا، مدی و کوهن<sup>۴</sup> (۱۹۸۲) با استفاده از نظریه های شخصیت، سازه سرسختی را به عنوان مجموعه ای از ویژگی های شخصیتی تعریف می کنند که به عنوان یک منبع مقاومت در مواجهه با رویدادهای استرس زای زندگی عمل می کند. این متغیر شخصیتی از سه مولفه ی وابسته به هم شامل کنترل، تعهد و مبارزه جویی تشکیل شده است. کنترل مفهوم مقابل احساس تهدید یا ترس است. افراد سرسخت کسانی هستند که در برابر اعمال و رفتار احساس تعهد کرده و به جای اینکه آن را تهدیدی برای زندگی خود به شمار آورند معتقدند که رویدادهای زندگی قابل کنترل و پیش بینی هستند و بلاخره تغییر در زندگی و نیاز به انطباق با آن را نوعی شانس و مبارزه جویی برای رشد بیش تر در نظر می گیرند (قیصی، ۲۰۰۴). از دیدگاه کوباسا (۱۹۷۹) سرسختی شامل سه مولفه ی تعهد، کنترل و مبارزه جویی است که با یکدیگر در ارتباط هستند. تعهد، احساس در آمیختگی با بسیاری از جنبه های زندگی مثل خانواده، شغل و روابط بین فردی است. فردی که این احساس را دارد، معنا و هدفمندی زندگی

<sup>4</sup> Cohen

و کار و خانواده را دریافته است. کنترل، اعتقادی است مبنی بر اینکه رویدادهای زندگی و پیامدهای آن قابل پیش بینی و کنترل هستند و می توان آنها را تغییر داد. مبارزه جویی عبارتست از این باور که تغییر، جنبه ای عادی از زندگی است و وضعیت های مثبت یا منفی که به سازگاری مجدد نیاز دارند، فرصتی برای رشد و یادگیری بیشتر هستند نه تهدیدی برای امنیت و آسایش فرد. در حالی که ممکن است دوران کنونی را عصر اضطراب بدانیم، می توان آن را آغاز عصر تغییر و تاثیر پذیری نیز دانست. ما هر چه بیشتر دچار اضطراب و نگرانی شویم، مغز بیشتر، سریع تر و آسانتر نقشه می کشد تا ارتباطات اضطراب آور به وجود آورد. چگونه ما می توانیم به کودکان کمک کنیم تا خودشان را از نگرانی دور کنند و بتوانند تصمیم بگیرند چه فکری کنند و چه کاری انجام دهند؟ ما به جای اینکه عجولانه به آنها اطمینان و قوت قلب دهیم یا با منطق و استدلال به بحث با آنان بپردازیم، باید در وهله اول به بی ارزش کردن پیام نگرانی بپردازیم (چانسکی، ۱۹۶۲: ۱۶). نقش عملکرد خانواده در بروز ویژگی هایی مثل سرسختی در بسیاری از پژوهشهای مرتبط نشان می دهد که ارتباط والد-کودک در محیط خانوادگی و حمایت اعضا از یکدیگر با سرسختی مرتبط است. شیوه های انضباطی سخت و خشن مادران بر هیجانات منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان به اثبات رسیده است (کتانین و همکاران؛ به نقل از حسینی نسب و همکاران، ۲۰۰۸). کوباسا و همکاران ۱۹۸۲، به نقل از شریفی و همکاران، ۲۰۰۵ نیز بیان نمودند که احتمالا تجارب دوران کودکی و تعامل مثبت با والدین و اطرافیان می تواند منجر به یک شخصیت سرسخت گردد. نگرش های مختلف والدین بر فرزند بر حسب اینکه پسر یا دختر باشند، چه قابلیت ها و توانایی ها و محدودیت هایی داشته باشد، به قبول نقش های اختصاص داده شده به فرزند کمک می کند. احساس ارزشمند بودن در خانواده شکل می گیرد و رشد می کند. هیچ ژنی احساس ارزش را انتقال نمی دهد و به وجود نمی آورد. این احساس آموخته می شود و خانواده محلی است که چنین احساسی را به افراد می آموزد. البته آن چه در این زمینه اهمیت دارد تاثیر شیوه های فرزند پروری مادران بر رشد شخصیت فرزند است همانطور که گفته شد عموما اعتقاد بر این است روش های آسان گیر کمتر کودکان مضطرب و ترسو و خجالتی بار می آورد و این کودکان غالبا اعتماد به نفس کمی پیدا می کنند اما سهل گیری بسیار سبب بی قید بند شدن، نامرتب شدن و کم شدن احساس مسئولیت می شود و در مقابل شیوه تربیتی سخت گیر ممکن است افراد مضطرب، خجالتی، وسواسی، گوشه گیر و منزوی، گاه ضد اجتماعی و پرخاشگر پروراند (کریمی، ۲۰۰۵: ۷۱).

در عصر حاضر که عصر ارتباطات و گسترش آموزش شکل و رنگ سخت تری به خود گرفته است بسیاری از افراد در کنار وظیفه ی مادر یا پدر بودن خود وظیفه ی تربیت و آموزش نسل جدید را نیز به عهده دارند. پژوهش های مختلف نشان داده اند که مردان در مقایسه با زنان از سرسختی بالاتری در آموزش و تربیت فرزندان برخوردارند. این پژوهش با هدف رابطه ی اضطراب و سرسختی بر فرزندپروری در میان معلمان مدارس دخترانه ی آموزش و پرورش ناحیه ۲ زاهدان صورت گرفته است. به طور مشخص تر، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر می باشد:

۱- آیا رابطه معناداری بین اضطراب و سبک های فرزند پروری (سهل گیرانه، مستبد، قاطع و اطمینان بخش) وجود دارد؟

۲- آیا رابطه معناداری بین سرسختی و سبک های فرزند پروری (سهل گیرانه، مستبد، قاطع و اطمینان بخش) وجود دارد؟

۳- آیا رابطه معناداری بین اضطراب و سرسختی (تعهد، کنترل و مبارزه جویی) وجود دارد؟

۴- کدام یک از مولفه های اضطراب و سرسختی بیشترین پیش بینی را از سبک های فرزند پروری (سهل گیرانه، مستبد،

قاطع و اطمینان بخش) دارند؟

### روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری معلمان مدارس متوسطه دخترانه به تعداد ۴۲۳ نفر بوده که از این تعداد بر حسب جدول مورگان ۱۷۰ نفر به روش، تصادفی ساده انتخاب گردیدند. در این پژوهش از سه پرسشنامه زیر استفاده گردید.

۱) پرسش نامه اضطراب بک (۱۹۸۸): به منظور سنجش اضطراب از پرسشنامه اضطراب بک (۱۹۸۸) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال است. پاسخ هر سوال بر روی یک مقیاس لیکرت چهار درجه ای ارزیابی می شود. بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه ای از صفر تا ۶۳ قرار می گیرد. ضریب پایایی بدست آمده از این پرسشنامه ۰/۸۸ می باشد.

۲) پرسشنامه سرسختی کوباسا (۱۹۸۸): به منظور سنجش سرسختی از پرسشنامه سرسختی که توسط کوباسا و همکاران (۱۹۸۸) تهیه شده است استفاده شد. این آزمون از ۲۰ سوال با ۳ زیر مقیاس تعهد، کنترل و مبارزه جویی تشکیل شده است. در این پرسشنامه پاسخ هر سوال روی یک مقیاس لیکرت<sup>۱</sup> چهار درجه ای ارزیابی می شود بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه ای از صفر تا ۶۰ قرار می گیرد. پایایی بدست آمده برای هر کدام از متغیرها عبارتست از ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۵ می باشد.

۳) پرسشنامه سبک های فرزندپروری: به منظور سنجش سبک های فرزند پروری از پرسشنامه سبک فرزند پروری دینا بامریند (۱۹۷۲) استفاده شده است. این آزمون از ۳۰ سوال با ۳ زیرمقیاس سهل گیرانه، مستبد، قاطع و اطمینان بخش تشکیل شده است. در این پرسشنامه پاسخ هر سوال روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای ارزیابی می شود. بنابراین نمره کل این پرسشنامه در دامنه ای از صفر تا ۱۲۰ قرار می گیرد. پایایی بدست آمده برای هر کدام از متغیرها عبارتست از ۰/۷۸، ۰/۶۶، ۰/۷۲ می باشد.

تحلیل داده های گردآوری شده، در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. و در سطح آمارتوصیفی، با استفاده از مشخصه های آماری نظیر میانگین و انحراف معیار به کار توصیف داده های پژوهش پرداخته شد. در سطح آمار استنباطی با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام اطلاعات جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل گردید.

1 ° Likert Scale

یافته ها

میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره معلمان مدارس متوسطه گروه نمونه در جداول (۱)، (۲) و (۳) آمده است.

جدول (۱) آماره های توصیفی اضطراب

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
اضطراب	۱۰/۲۷	۹/۰۶	۰	۴۲

جدول (۲) آماره های توصیفی سرسختی

متغیر	تعهد	کنترل	مبارزه جویی
میانگین	۸/۹۰	۶/۰۷	۱۳/۳۲
انحراف استاندارد	۵/۶۶	۴/۶۳	۳/۰۸
حداقل	۰	۰	۰
حداکثر	۲۷	۲۰	۱۲

جدول (۳) آماره های توصیفی سبک های فرزندپروری

متغیر	مستبدانه	مقتدرانه	سهل گیرانه
میانگین	۱۴/۳۱	۲۶/۱۷	۱۴/۳۲
انحراف استاندارد	۵/۱۸	۷/۹۹	۵/۰۲
حداقل	۳	۵	۳
حداکثر	۲۸	۴۰	۲۶

جدول (۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی اضطراب و سبک های فرزندپروری

متغیر	مستبدانه	مقتدرانه	سهل گیرانه
اضطراب	R	۰/۰۷	۰/۰۸
	Sig	۰/۲۲	۰/۲۰

\*p<0005 \*\* p<0001

جدول (۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرو نشان می دهد که بین هیچ کدام از سبک های فرزندپروری با اضطراب معلمان در سطح  $p < 0/05$  رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۵) نتایج آزمون ضریب همبستگی سرسختی و سبک های فرزندپروری

متغیر	تعهد	کنترل	مبارزه جویی	سرسختی
مستبدانه	R	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۳
	Sig	۰/۴۴	۰/۳۵	۰/۳۵
مقتدرانه	R	۰/۲۰*	۰/۱۱	۰/۲۳*
	Sig	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۱
سهل گیرانه	R	۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۰۳
	Sig	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۳۵

\*p<0005 \*\* p<0001

جدول (۵) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرو نشان می دهد که بین سبک مقتدرانه و تعهد همبستگی در سطح ۰/۰۵ p و کنترل در سطح ۰/۰۱ p رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

جدول (۶) نتایج رگرسیون گام به گام پیش بینی سبک فرزندپروری مقتدرانه

گام	متغیر پیش بین	متغیر ملاک	R	R <sup>2</sup>	F	sig	t	Sig
۱	کنترل	سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۲۵	۰/۰۵	۶/۸۷	۰/۰۱	۱۸/۲۹	۰/۰۰

چنان که مشاهده می شود متغیر کنترل معلمان بیشترین پیش بینی را از سبک فرزندپروری مقتدرانه داشته است. این متغیر توانسته است ۰/۲۵ از تغییرات سبک فرزندپروری مقتدرانه را پیش بینی کند. مقدار F نشان دهنده ی معنادار بودن این پیش بینی در سطح ۰/۰۵ p می باشد. ضریب بتای استاندارد نشان می دهد که در معادله رگرسیون کنترل دارای ضریب ۰/۲۵۶ می باشد. میزان t در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول (۷) نتایج آزمون ضریب همبستگی اضطراب و سرسختی

متغیر	تعهد	کنترل	مبارزه جویی	سرسختی
اضطراب	R	-۰/۳۹**	-۰/۳۲**	-۰/۵۰**
	Sig	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

\*p<0005 \*\* p<0001

جدول (۶) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین کلیه های متغیر سرسختی با اضطراب معلمان در سطح  $p = 0/01$  رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر آن است میزان اضطراب معلمان مدارس متوسطه خفیف می باشد. همچنین در میان عوامل سرسختی مبارزه جویی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان استنباط کرد افرادی که زندگی را به عنوان مبارزه در نظر می گیرند تغییرات گوناگون زندگی و نیاز به سازگاری مجدد را فرصتی برای یادگیری و رشد بیشتر می دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش در زندگی خود، این اشخاص معتقدند که رضایت خاطر در سایه رشد مداوم به دست می آید و نه در راحتی، آسایش، امنیت و زندگی روزمره، چنین باوری انعطاف پذیری شناختی<sup>۲</sup> و قدرت تحمل رویدادها و موقعیت های استرس زای زندگی را به همراه دارد. زیرا آنان وقایع غیر عادی و به دور از انتظار را به صورت تجربه های جالب و با ارزش می دانند، افرادی که در زندگی مبارزه جو هستند به دنبال تغییرات در زندگی خود می باشند. همچنین سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان استنباط کرد که والدین انعطاف پذیر عمل می کنند. آنان ضمن اعطای آزادی برای فرزندان خود، مقررات روشن و آشکاری را برای آنان وضع می کنند. درعین حال، برای آن مقررات وضع شده دلایلی ارائه داده و غالباً در مورد خواسته هایشان با فرزند خود استدلال می کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزند خود حساس هستند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق و تقویت می کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معناداری بین اضطراب و سبک های فرزندپروری وجود ندارد. پژوهش مرتبطی در این زمینه یافت نشد اما بصورت غیر مستقیم با پژوهش اسماعیل پور و جمیل (۱۳۹۳)، خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) و موریس و همکاران (۲۰۰۰) همسو نمی باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین سبک مقتدرانه و سرسختی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج با پژوهش نقی پور (۱۳۹۰) مبنی بر معنادار بودن رابطه سبک مقتدرانه و سخت رویی همسو می باشد. بصورت غیر مستقیم می توان گفت با نتایج پژوهشی که امریکنر (۱۹۹۴)، درباره رابطه بین سلامت روانی با تعاملات ادراک شده خانواده را بررسی کردند اینگونه بود که آنها نشان دادند خانواده هایی که از انسجام یا همبستگی بیشتر، ارتباط بهتر بین اعضای خانواده با پدر و مادر و رضایت بیشتر از وضعیت خانواده برخوردارند و همچنین خانواده هایی که با فعالیت اجتماعی، فعالیت های مذهبی، اخلاقی، فعالیت های فکری- فرهنگی و نظم و سازماندهی تاکید بیشتر دارند، اعضایشان از میزان سرسختی بالاتر برخوردار هستند. همسو می باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین کلیه متغیرهای سرسختی با اضطراب معلمان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. نتایج پژوهش تریسی و همکاران (۲۰۰۳)، که در مطالعه خود اثرهای استرس های ناشی از حوادث زندگی و سرسختی روان شناختی را بر روی پندار پیرامونی در موقعیت های واقعی زندگی مورد بررسی قرار دادند، نیز نشان می دهد افرادی که سرسختی روان شناختی آنها بالا بوده بهتر می توانند با اضطراب ناشی از استرس کنار بیایند. نتایج پژوهش آل هجمد (۲۰۰۶) هم نشان داد افرادی که سرسخت ترند، از استرس کمتر و

<sup>۲</sup>-Cognitive Flexibility



به تبع آن از سلامت جهانی بالاتری برخوردارند. همسو می باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که متغیر کنترل معلمان بیشترین پیش بینی را از سبک فرزندپروری مقتدرانه داشته است. نتایج پژوهش کوریدور وارنر و ایبرگ (۲۰۰۲) نیز نشان دادند که دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل گیر، از شیوه حل مساله در شرایط استرس زا، استفاده می کنند و ارتباط منفی معناداری بین رضایتمندی از ارتباط والدین با احساس تنهایی وجود دارد.

## منابع

- اسماعیل پور، خلیل و جمیل، لیلی. (۱۳۹۳) "رابطه ادراک شیوه های فرزندپروری و اضطراب پدر و مادر با اضطراب جوانان"، نشریه آموزشی و پرورشی (علوم تربیتی) ۷(۲۵) ۶-۸۵.
- چانسکی، تامار.ئی. (۱۹۶۲م) "فرزندان را از اضطراب رها کنید"، ترجمه ی رخشنده عظیم، چاپ اول، تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
- حسینی نسب، داوود، احمدیان، فاطمه و روان بخش، محمدحسین. (۱۳۸۷) "بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان"، نشریه مطالعات تربیتی و روانشناسی ۹(۱)، ۲۱-۳۷.
- خانجانی، زینب، پور شریفی، حمید، عظیمی، زینب و فهیمی، صمد. (۱۳۹۱) "مقایسه دانشجویان دارای شکست عشقی با و بدون نشانگان بالینی در طرحواره های ناسازگار اولیه و الگوی فرزندپروری"، اندیشه و رفتار(۲۳)، ۲۱-۳۰.
- دهباشی، زهرا. (۱۳۹۴) "بررسی رابطه ی شیوه فرزندپروری و جرات ورزی و اضطراب در کودکان"، پایان نامه دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور زاهدان.
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۲) "جامعه شناسی آموزش و پرورش"، چاپ پنجاه و سوم، تهران: نشر روان.
- لیل آبادی، لیدا. (۱۳۷۵) "بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی و شیوه فرزندپروری مادران عادی و مبتلا به اختلال سلوک در مدارس ابتدایی پسرانه شهر تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی شهر تهران.
- منادی، مرتضی. (۱۳۷۸) "آموزش و پرورش در آستانه قرن ۲۱"، سخنرانی در دومین همایش علم در آستانه قرن ۲۱ توسط مرکز علمی فرهنگی دارالفنون توس.
- Afrikeeer M monks wll f P &Tmmiss .. (1994) "family inters action and individual psychological health" Juurlll of uuueeliggg ddd dddlll mmmrrttt ( 2(6) 614-623.
- Csstell C. G Cmmfry A... (1967) "Scales for measuring depression and anxiety" J yyyhhe 66:303- 13.
- Hrryy D rr TG& eedikk S (1993) "Examining the relation of parenting to children's coping whit every day stress" Chilv vwwomrrttt vll .64 :: 18-48.
- Ketetsi..rrr y B Aaam GRR(1998) "Family processes 'parent- child social adjustment" Jorrnll of mrrrigg& &tFF Fmrrily vll um. 6.

**The relationship between anxiety and tenacity styles with high school teachers**

**Abstract**

The family is the base that the bond between the child and the environment he creates. Children's basic beliefs about the world learns, grows physically and mentally, ways of speaking and teaches, learns the basic norms of behavior and, ultimately, attitudes, ethics and Rvhyatsh takes shape in other words, be social. : The aim of this study was to investigate the relationship between anxiety and parenting is a tough style. The study population consisted of all girls secondary school teachers Zahedan Area 2 consists of 423 people and the sample is based on Morgan table 170. Sampling method is simple random. Data from three Beck Anxiety Inventory (1988), tenacity Kvbasa (1988) and responded styles (1972) was used. The results indicated that authoritative parenting style, the style is the predominant style. The control component is accounted for in tenacity highest average. Data analytical results also show that a significant rll tt ihhhip eetween aarnntigg tt ylss, nnd aiii tt y p 0 / 05 trrr .. The tt hrr itative aarnntigg tt yle ddd tenacity significant relationship between the lvll 0 / 01 thrr e. rrrr e is a gggative ivvrse relatihhhip between anxiety and tenacity. The findings of this study indicate that it is also the most outlandish prediction component of secondary teachers have parenting style..

**Key words:** anxiety, resilience, parenting, teachers, secondary

